

### ره آورد بعثت از منظر نهج البلاغه (3)

بعد از این سلسله مباحث دریافتیم که وجود پیامبران برای انسان امری لازم و واجب می باشد و انسان بدون وجود این رسولان قادر نمی باشد که راه سعادت را بییماید...

#### خصوصیات پیامبران الهی

بعد از این سلسله مباحث دریافتیم که وجود پیامبران برای انسان امری لازم و واجب می باشد و انسان بدون وجود این رسولان قادر نمی باشد که راه سعادت را بییماید. حال باید به این نکته پردازیم که انبیاء الهی دارای چه خصوصیتی هستند که می توانند در فراز و فرود راه زندگی انسان، هادی و مشعلدار باشند.

#### الف- اوصاف و وظایف پیامبران

حضرت علی علیه السلام در توصیف انبیاء و وظایف آنها در نهج البلاغه فرزهایی را ذکر نموده اند که در اینجا به آنها اشاره می نمایم.

" فاستودعهم فی أفضل مستودع ... قام منهم بدین الله خلف."؛ پیامبران را در بهترین جایگاه به ودیعت گذارد، و در بهترین مکان ها استقرارشان داد. از صلب کریمانه پدران به رحم پاك مادران منتقل فرمود، که هرگاه یکی از آنان درگذشت، دیگری برای پیش برد دین خدا به پاخاست. (27)

" و لقد كان فی رسول الله (ص) كاف لك فی الأسوة ... دابته رجلاه و خادمه یداه."؛ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را اطلاعات نمایی، تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن باشد، چه این که دنیا از هر سو بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بازداشته و برای غیر او گسترانده شد، از سینه دنیا شیر نخورد، و از زیورهای آن فاصله گرفت. اگر می خواهی دومی را، موسی علیه السلام و زندگی او را تعریف کنم، آنجا که می گوید:

" پرورگار! هرچه به من از نیکی عطا کنی نیازمندم."

به خدا سوگند، موسی علیه السلام جز قرص نانی که گرسنگی را برطرف سازد چیز دیگری نخواست، زیرا موسی علیه السلام از سبزیجات زمین می خورد، تا آنجا که بر اثر لاغری و آب شدن گوشت بدن، سبزی گیاه از پشت پرده شکم او آشکار بود. و اگر می خواهی سومی را، حضرت داوود علیه السلام صاحب نی های نوازنده، و خواننده بهشتیان را الگوی خویش سازی، که با هنر دستان خود از لیف خرما زنبیل می بافت، و از همنشینان خود می پرسید چه کسی از شما این زنبیل را می فروشد؟ و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می کرد. و اگر خواهی از عیسی بن مریم علیه السلام بگویم، که سنگ را بالمش خود قرار می داد، لباس پشمی خشن به تن می کرد، و نان خشک می خورد، نان خورش او گرسنگی و چراغش در شب ماه، و پناهگاه زمستان او شرق و غرب زمین بود، میوه و گل او سبزیجاتی بود که زمین برای چهارپایان می رویاند، زنی نداشت که او را فریفته خود سازد، فرزندی نداشت تا او را غمگین سازد، مالی نداشت تا او را سرگرم کند، و آز و طمعش نداشت تا او را خوار و ذلیل نماید، مرکب سواری او دو پایش، و خدمتگزار وی، دستهایش بود. (28)

خداوند در برخی از آیات قرآن کریم به شرح وظایف پیامبران پرداخته است که اینجا به چند وظیفه ایشان اشاره می کنیم.

#### بلاغ مبین چیست؟

وظیفه اصلی همه پیامبران بلاغ مبین است ( فهل علی الرسل الا البلاغ المبین ) یعنی رهبران الهی نمی توانند مخفیانه به دعوت خود ادامه دهند مگر این که برای مدتی محدود و موقت باشد، برنامه مخفی کاری آن هم در عصر دعوت رسالت چیزی نیست که قابل قبول و دارای نتیجه باشد، صراحت توأم با رشادت و قاطعیت، همگام با تدبیر، شرط این دعوت است. (29)

#### وظایف پیامبران در قرآن

"و ما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذی اختلفوا فیه و هدی و رحمة لقوم یومنون. (نحل/64)

آیه فوق هدف بعثت پیامبران را بیان می کند تا روشن شود که اگر اقوام و ملتها، هوا و هوس ها، و سلیقه های شخصی خود را کنار بگذارند و دست به دامن راهنمایی پیامبران بزنند، اثری از اینگونه خرافه ها، اختلافها، و اعمال ضد و نقیض باقی نمی ماند، می گوید:

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای این که آنچه را در آن اختلاف دارند برای آنها تبیین کنی و مایه هدایت و رحمت است برای گروهی که ایمان دارند. (30)

#### ب- اوصاف پیامبراکرم صلوات الله علیه

در مورد بعثت نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، سخنها بسیاری گفته شده و شاعران، ادیبان، حکیمان و نویسندگان، هر يك به فراخور حال خود، این واقعه شگرف را به نظم و نثر کشیده اند.

اما هیچ کس مانند خاندان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، که در درك اسرار بعثت، یگانه همه اعصار و در شیوایی و رسایی سخن، سرآمد روزگار بوده اند، نتوانسته است حق مطلب را ادا کند و چنان که شایسته این رویداد عظیم است در مورد آن

سخن گوید.

از این رو گزیده ای از بیانات گل سرسید خاندان رسالت، امیر بیان مولا علی بن ابی طالب علیه السلام را تقدیم می نمایم. " فتأس بنبيك الأَطيب الأَطهر (صلی) فان فيه أسوة ... فعند الصباح بحمد القوم السرى."؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن، که راه و رسم او الگویی است برای الگوتلبیان، و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد، و محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، و گام بر جایگاه قدم او نهد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا چندان نخورد که دهان را پُر کند، و به دنیا با گوشه چشم نگرست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته تر، و شکمش از همه خالی تر بود، دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت، و چون دانست خدا چیزی را دشمن می دارد آن را دشمن داشت، و چیزی را که خدا خوار شمرده، آن را خوار انگاشت، و چیزی را که خدا کوچک شمرده کوچک و ناچیز می دانست. اگر در ما نباشد جز آن که آنچه را خدا و پیامبرش دشمن می دارند، دوست بداریم، یا آنچه را خدا و پیامبرش کوچک شمارند، بزرگ بداریم، برای نشان دادن دشمنی ما با خدا، و سرپیچی از فرمان های او کافی بود! و همانا پیامبر" که درود خدا بر او باد" بر روی زمین می نشست و غذا می خورد، و چون برده، ساده می نشست، و با دست خود کفش خود را وصله می زد، و جامه خود را با دست خود می دوخت، و بر الاغ برهنه می نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می کرد. پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویر در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود، این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هرگاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با دل از دنیا روی گرداند، و یادش را از جان خود ریشه کن کرد، و همواره دوست داشت تا جاذبه های دنیا از دیدگانش پنهان ماند، و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند، و امید ماندن در دنیا نداشته باشد، پس یاد دنیا را از جام خویش بیرون کرد، و دل از دنیا بَر کند، و چشم از دنیا پوشاند.

و چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد، خوش ندارد به آن بنگرد، یا نام آن نزد او بر زبان آورده شود. در زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تو نشانه هایی است که تو را به زشتی ها و عیب های دنیا راهنمایی کند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نزدیکان خود گرسنه به سر می برد. و با آن که مقام و منزلت بزرگی داشت، زینت های دنیا از دیده او دور ماند.

پس تفکر کننده ای باید با عقل خویش به درستی اندیشه کند که: آیا خدا، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به داشتن این صفتها اکرام فرمود یا او را خوار کرد؟ اگر بگوید: خوار کرد، دروغ گفته و بهتانی بزرگ زده است، و اگر بگوید: او را اکرام کرد، پس بداند، خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیک ترین مردم به خودش دور نگذاشت.

پس پیروی کننده باید از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کند، و به دنبال او راه رود، و قدم بر جای قدم او بگذارد، و گرنه از هلاکت ایمن نمی باشد، که همانا خداوند، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نشانه قیامت، و مژده دهنده بهشت، و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد، او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آخرت شد، و کاخ های مجلل نساخت ( سنگی بر سنگی نگذاشت) تا جهان را ترك گفت، و دعوت پروردگارش را پذیرفت.

وه! چه بزرگ است منتهی که خدا با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر ما نهاده، و چنین نعمت بزرگی به ما عطا فرموده، رهبر پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید راه او را تداوم بخشیم. به خدا سوگند آنقدر این پیراهن پشمین را وصله زدیم که از پینه کننده آن شرمسارم.

یکی به من گفت: " آیا آن را دور نمی افکنی؟" گفتم: از من دور شو، صبحگاهان رهروان شب ستایش می شوند. (31)

- نهاد اصلی وجود پیامبر

" حتی افضت كرامة الله سبحانه و تعالی الی محمد(ص) ... و غباوة من الأمم."؛ تا این که کرامت اعزام نبوت از طرف خدای سبحان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسید. نهاد اصلی وجود او را از بهترین معادن استخراج کرد، و نهاد وجود او را در اصیل ترین و عزیزترین سرزمین ها کاشت و آبیاری کرد، او را از همان درختی که دیگر پیامبران و ائمه را از آن آفرید به وجود آورد، که عترت او بهترین عترت ها، و خاندانش بهترین خاندانها، و درخت وجودش از بهترین درختان است، در حرم امن خدا رویید، و در آغوش خانواده کریمی بزرگ شد، شاخه های بلند آن سر به آسمان کشیده که دست کسی به میوه آن نمی رسید. پس، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیشوای پرهیزکاران، و وسیله بینایی هدایت خواهان است، چراغی با نور درخشان، و ستاره ای فروزان، و شعله ای با برق های خیره کننده و تابان است، راه و رسم او با اعتدال، و روش زندگی او صحیح و پایدار، و سخنانش روشنگر حق و باطل، و حکم او عادلانه است. خدا او را زمانی مبعوث فرمود که با زمان پیامبران گذشته فاصله طولانی داشت و مردم از نیکوکاری فاصله گرفته، و امت ها به جهل و نادانی گرفتار شده بودند. (32)

- طبیب دوا

" واختاره من شجرة الأنبياء، و مشكاة الضياء و ذؤابة العلياء... متتبع بدوائه مواضع الغفلة، و مواطن الحيرة."؛ پیامبر(ص) را از درخت تنومند پیامبران، از سرچشمه نور هدایت، از جایگاه بلند و بی همانند، از سرزمین بطحاء(33) از چراغ های برافروخته در تاریکی ها، و از سرچشمه های حکمت برگزید. پیامبر طبیعی است که برای درمان بیماران سیار است.

مرهم های شفابخش او آماده، و ابزار داغ کردن زخم ها را گذاخته. برای شفای قلب های کور و گوش های ناشنوا و زبان های لال آماده، و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است. (34)

- گزینش خدا

" أرسله بالضيء، و قدمه فى الاصطفاء ... عن يمين و شمال."؛ خدا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با روشنایی اسلام

فرستاد، و در گزینش، او را بر همه مقدم داشت؛ با بعثت او شکاف ها را پُر، و سلطه گران پیروز را در هم شکست، و سختی ها را آسان، و ناهمواری ها را هموار فرمود تا آن که گمراهی را از چپ و راست تار و مار کرد. (35)

- پارسایی پیامبر

" قد حقر الدنيا و صغرها، و أهون بها و هونها،... و دعا إلى الجنة مبشراً و خوف من النار محذراً.؛" پیامبر(ص) دنیا را کوچک شمرده و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می شمرد و در نزد دیگران خوار و بی مقدار معرفی فرمود و می دانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید. پیامبر(ص) از جان و دل به دنیا پشت کرد، و یاد آن را در دلش میراند. دوست می داشت که زینت های دنیا از چشم او دور نگهداشته شود، تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد، یا اقامت در آن را آرزو نکند، و برای تبلیغ احکامی که قطع کننده عذرهایست تلاش کرد، و امت اسلامی را با هشدارهای لازم نصیحت کرد، و با بشارت ها مردم را به سوی بهشت فراخواند و از آتش جهنم پرهیز داد. (36)

- قرارگاه پیامبر(ص)

" مستقرة خير مستقر، و منبته اشرف منبت... و صمنه لسان.؛" قرارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهترین قرارگاه و محل پرورش و خاندان او شریف ترین پایگاه است. در معدن بزرگواری و گاهواره سلامت رشد کرد، دل های نیکوکاران شیفته او گشته، توجه دیده ها به سوی اوست. خدا به برکت وجود او کینه ها را دفن کرد و آتش دشمنی ها را خاموش کرد. با او میان دلها الفت و مهربانی ایجاد کرد و نزدیکی را از هم دور ساخت. انسان های خوار و ذلیل و محروم در پرتو او عزت یافتند، و عزیزانی خودسر ذلیل شدند. گفتار او روشنگر واقعیت ها، و سکوت او زبانی گویا بود. (37)

- مصلح جامعه بشریت

" فصدع بما أمر به، و بلغ رسالات ربه... والضعائن القادحة فی القلوب.؛" پیامبر اسلام (ص) آنچه را که به او ابلاغ شد آشکار کرد، و پیام های پروردگارش را رساند. او شکاف های اجتماعی را به وحدت اصلاح، و فاصله ها را به هم پیوند داد و پس از آن که آتش دشمنی ها و کینه های برافروخته در دل ها راه یافته بود، میان خویشاوندان یگانگی برقرار کرد. (38)

پس از بیان این تفاسیر در باب بعثت، دریافتیم که پیامبران با تعالیم و برنامه های خود، روح و روان ما را که با يك سلسله صفات عالی روحیات و احساسات پاك، عجیب شده است را به مقتضای فطرت باز می گردانند.

پیامبران وظیفه دارند که احکام فطرت و وجدان را برای انسان بازگو نمایند و او را به صفاتی که در خود نهفته است متوجه سازد. مریبان الهی با نور وحی و برنامه ای صحیح شرایط رشد و نمو را برای انسان فراهم می سازند و انحرافات را تعدیل می نمایند. و در يك کلام انسان را به تکامل که هدف خدا از خلقت بوده است، می رسانند و او را در مسیر صحیح خدایی قرار داده تا طی طریق نماید که سعادت بشر در آن نهفته است.

پی نوشت ها:

27. خطبه 94، ص 177.

28. خطبه 160، ص 299.

29. تفسیر نمونه، ج 11، ص 227.

30. همان، ج 11، ص 285.

31. خطبه 160، ص 301.

32. خطبه 94، ص 177.

33. سرزمین بطحاء، بین دو کوه ابوقبیس و احمر را می گفتند که محل زندگی قریش بود.

34. خطبه 108، ص 201.

35. خطبه 213، ص 439.

36. خطبه 109، ص 209.

37. خطبه 96، ص 179.

38. خطبه 23، ص 469.

آذر سوکیبالای